



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ (۱) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ (۲) عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ (۳) تَصْلَى نَاراً حَامِيَةً (۴) تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ
أَنِيبَةٍ (۵) لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ (۶) لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ (۷) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ (۸) لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ
(۹) فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۱۰) لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً (۱۱) فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (۱۲) فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ (۱۳) وَأَكْوَابُ مَوْضُوعَةٌ
(۱۴) وَتَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ (۱۵) وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ (۱۶) أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْآيِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷) وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ
رُفِعَتْ (۱۸) وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹) وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰) فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ (۲۱) لَسْتَ
عَلَيْهِمْ بِمُصْطَفِرٍ (۲۲) إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ (۲۳) فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (۲۴) إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ (۲۵) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا
حِسَابَهُمْ (۲۶)﴾

سوره مبارکه ای که «علم بالغلبه» آن «غاشیه» است «سوره یذکر فیها الغاشیه» صدر آن درباره معاد است، ذیل آن هم درباره معاد است، اثنای آن درباره برهان توحیدی است؛ اینجا هیچ اختصاصی به عرب و عجم ندارد گرچه از شتر و امثال شتر سخن به میان آمده است. در سوره مبارکه «مدثر» ملاحظه فرمودید! این جزء عتائق سور قرآن است یعنی سوره‌های کهن، سوره‌هایی که در اوایل بعثت نازل شد. در همان سوره دو بار سخن از حقوق بشر

است یعنی این کتاب برای جهانیان آمده: ﴿نَذِيرًا لِلْبَشَرِ﴾^۱ ﴿ذِكْرًا لِلْبَشَرِ﴾^۲. پس اگر در بخشی از این سوره از شتر و امثال شتر نام می‌برد برای اینکه برای مخاطبان آن روز نزدیک‌تر و در دسترس‌تر بود و گرنه کتابی که برای بشر آمده است چه شتر دیروز و چه هواپیمای امروز، هر دو در اثر بهره‌برداری از نظام دقیق علمی عالم است؛ گرچه یکی طبیعت است دیگری صنعت. در قرآن کریم چه در سوره مبارکه «فرقان» و مانند آن، داخله مسلمین که امر ملی و محلی است، منطقه بین‌المللی که مربوط به موحدان است اعم از مسلمین و مسیحی‌ها و کلیمی‌ها اینها را زیر مجموعه بشر می‌داند اساس قرآن این است. چون کتاب خاتم است، نه بعد از این پیامبری می‌آید، نه بعد از این کتابی نازل می‌شود باید حرف جهانی را بزند حرفی که جمیع بشر مشترکاتی دارند؛ زیرا زبان مشترک بشر زبان فطرت است همه یک چیز می‌خواهند همه از یکجا آمده‌اند همه در یک مسیر هستند همه به یک مقصد می‌رسند؛ بنابراین یک کتاب می‌تواند جهانی باشد و مکتب‌هایی که بشر آورده است در برابر وحی الهی، آن را ذات اقدس الهی به ما فرمود شما نظر کنید نظریه بدهید این کتاب حرف اول و آخر می‌زند بر همه مکاتب جهان فائق و پیروز است. در سه سوره قرآن بالصراحه تبیین کرد فرمود: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾^۳ ﴿وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۴ ﴿وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾^۵ برهان دستتان است با قرآن بیندیشید معارف قرآنی را آنچه خدا درباره توحید گفته وحی گفته نبوت گفته امامت گفته معاد گفته برزخ گفته، اینها را خوب فرا بگیرید تا بر هر مکتبی پیروز بشوید؛ پس آن مکتب‌ها را هم باید بشناسید و مکتب خودتان را هم بشناسید و تا بتوانید این را حاکم بر آن قرار بدهید.

۱. سوره مدثر، آیه ۳۶.

۲. سوره مدثر، آیه ۳۱.

۳. سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره فتح، آیه ۲۸؛ سوره صف، آیه ۹.

۴. سوره صف، آیه ۹.

۵. سوره فتح، آیه ۲۸.

بارها به عرض شما رسید دو تا کافر یکی مارکس^۱ و یکی اِنگِلْس^۲ از آلمان برخاستند این دو نفر از این منطقه غرب آلمان برخاستند و بساط اقتصاد کمونیستی را پهن کردند و منکر مبدأ و معاد و وحی شدند و این یک میلیارد و ششصد میلیون را در چین کافر کردند. ما با داشتند انبیای الهی وجود مبارک حضرت اهل بیت عصمت و طهارت قرآن نهج البلاغه، داشتن علی بن ابیطالب (علیهم صلوات الله اجمعین) نتوانیم حرف خودمان را به جهان برسانیم، این بدرفتاری ماست.

در قرآن به ما فرمود معاد هست غاشیه است فراگیر است در آن روز فراگیر، اولین و آخرین در آنجا جمع می شوند قیامت روز جمعی است نه اجتماعی، یعنی هر کس مهمان عمل خودش است؛ با اینکه ﴿إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ﴾^۳ هیچ کسی بار کسی را نمی برد با «لا»ی نفی جنس فرمود: ﴿لَا وَزَرَ﴾^۴ هیچ کسی بار کسی را نمی برد هر کسی کار خودش را انجام می دهد در چنین روزی که پایان کار همه ما است دو گروه را که اصلاً دو گروه اصیل معادند آن را مشخص کرد، یک عده غذای اینها بسیار سخت و تلخ و تیغی است که دنیا فراهم کردند، این کسی که با قلم، با بنان با بیان خود آبروی دیگری را می برد به این تیغ می زند و به آن تیغ می زند در قیامت طعامی هم جز تیغ ندارد ﴿لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِن زُرْعِهِ﴾. آن که سعی می کند نرم رفتاری کند وحدت ایجاد کند اختلاف جامعه را برطرف کند جامعه را در کنار سفره خودشان بنشانند دست

۱. کارل هاینریش مارکس متفکر، فیلسوف، جامعه‌شناس، تاریخ‌دان، اقتصاددان آلمانی و از تأثیرگذارترین اندیشمندان است. مارکس همچنین مؤلف «سرمایه» مهم‌ترین کتاب این جنبش است. این آثار به همراه سایر تألیفات او و انگلس، بنیان و جوهره اصلی تفکر مارکسیسم را تشکیل می‌دهد.

۲. فریدریش انگلس در آلمان به دنیا آمد، وی فیلسوف و کمونیست آلمانی و نزدیک‌ترین همکار کارل مارکس است، او به همراه کارل مارکس مانیفست حزب کمونیست و آثار تئوریک دیگری نوشته است.

۳. سوره واقعه، آیات ۴۹ و ۵۰.

۴. سوره قیامت، آیه ۱۱.

جامعه به طرف سفره خودش دراز بشود، آبروی مردم را حفظ می‌کند، اقتصاد مردم را حفظ می‌کند ﴿لَسَعِيهَا رَاضِيَةً﴾ است، ﴿فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ﴾ است، ﴿لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً﴾ است.

بعد برای تبیین این مسئله ما را به برهان توحید دعوت می‌کند؛ می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ﴾. «نظر» مستحضرید گاهی نظر باصره ظاهری است که در مسئله عفاف و حجاب مطرح است ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يُعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾^۱ این نگاه منظور است. گاهی نظر به معنای نظریه است نه نگاه فیزیکی؛ مثل اینکه در مقوله عمر بن حنظله و مانند آن آمده است که حضرت فرمود: «مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَحَرَامِنَا»^۲ نظریه یعنی فقهی باشد که اهل نظریه‌پردازی باشد استنباط کند اجتهاد کند وگرنه صرف نگاه به روایات که مشکلی را حل نمی‌کند. «وَنَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَحَرَامِنَا»؛ یعنی اهل نظریه باشد اهل فتوا باشد؛ نظر به معنای نظریه‌پردازی در این آیه اراده شده است ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ﴾.

گاهی نظر نظر تشریفی و تکریمی است مثل اینکه ذات اقدس الهی در بخش‌هایی از قرآن کریم فرمود یک عده را خدا در قیامت نگاه نمی‌کند با اینکه او ﴿بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ﴾^۳ است با یک عده حرف نمی‌زند با اینکه ﴿أَحْسَوْا﴾^۴ را نسبت به آنها دارد. اینکه فرمود: ﴿وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾^۵ یعنی سخن تشریفی و نگاه تشریفی؛ معلوم می‌شود که خدا با یک عده در قیامت حرف می‌زند. خدا در قرآن با ما حرف زد و در نماز حرف ما را شنید که می‌گوییم: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾^۶ منتها ما استماع آن ذات مقدس را درک نمی‌کنیم و کلام آن حضرت را هم

۱. سوره نور، آیه ۳۰.

۲. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۶۷.

۳. سوره ملک، آیه ۱۹.

۴. سوره مؤمنون، آیه ۱۷۴.

۵. سوره بقره، آیه ۱۷۴.

۶. سوره حمد، آیه ۵.

غی‌شنویم ولی در قیامت طوری است که انسان «کلام الله» را می‌شنود و از شنیدن «کلام الله» لذت می‌برد. گروهی هستند که از شنیدن کلام الهی محروم‌اند ﴿وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ این نگاه، نگاه تشریفی است در دعای «ندبه» دارد که ﴿وَإِنَّا نَنْظُرُ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً﴾^۱ این نگاه یک نگاه تشریفی است. در عرف هم می‌گوییم به ما نگاهی نکرده است نگاهی غمی‌کند، یعنی نگاه نگاه تشریفی است.

پس اینکه فرمود: ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ﴾؛ یعنی نظریه‌پردازی کند، درباره خلقت این حیوان، درباره خلقت آسمان، درباره خلقت زمین، درباره خلقت کوه‌ها؛ آن سه امر اختصاصی به شرق و غرب عالم ندارد اختصاصی به تازی و فارسی ندارد؛ اما «إبل» را ذکر کرده برای اینکه بیشتر مورد نیاز مردم حجاز آن روز بود. هر حیوانی خصیصه‌ای دارد در جریان شتر خصائص فراوانی به کار رفته است تا او بتواند آن بیابان‌های درد و رنج‌آور بی‌آب و علف را شبانه‌روز طی کند؛ خصیصه‌های فراوانی هم دارد قدّ بلندی دارد این می‌نشیند تا بار کنند و بعد برخیزد، این خصیصه‌هایی است که شترشناسان برای شتر ذکر کردند که در حیوانات دیگر نیست؛ البته حیوانات دیگر هم خصیصه‌ای دارند که در شتر نیست. اما آنچه بیشتر مورد استفاده مردم حجاز آن روز بود همین جریان شتر بود.

فرمود چرا به شتر نگاه غمی‌کنند؟ یعنی نظریه‌پرداز نیستند. درباره نظر خودش فرمود ما شما را به جای اقوام گذشته آوردیم ﴿لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ﴾^۲ گاهی هم از باب تعلیق حکم به وصف که مشعر به علیّت است و هشدار ضمنی را در بر دارد به ما می‌فرماید: ﴿وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ﴾^۳ الان ما در آستانه ۲۲ بهمن هستیم به برکت خون‌های پاک شهدا و کوشش امام که سعی همه اینها با انبیا و اولیای الهی باشد! اینکه در قرآن فرمود: ﴿وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾؛ شما آگاه باشید به جای ظالمین نشست‌اید؛ این تعلیق حکم بر وصف

۱. مصباح المنهجد و سلاح المتعبد، ج ۱، ص ۱۴۹.

۲. سوره یونس، آیه ۱۴.

۳. سوره ابراهیم، آیه ۴۵.

مشعر به علّیت است، هشداری هم در ضمن هست. نفرمود شما به جای گذشتگان نشسته‌اید، فرمود شما به جای ظالمین نشسته‌اید ﴿وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾؛ یعنی اگر آنها را ما از بین بردیم برای ظلم بود، شما هم مواظب باشید اگر - خدای ناکرده - گرفتار اعمال تلخ آنها شدید شما هم می‌روید عده‌ای به جای شما می‌نشینند. آن وقت در ذیل همان دارد: ﴿لَنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ﴾ ما نگاه بکنیم یا در آنجا ضمیر غایب آورده خدا نگاه بکند ببیند که چه می‌کنید، این اصل کلی است که اگر کسی بیراهه برود یا راه کسی را ببندد گرفتار عذاب الهی است.

این نظر را خودش روشن کرده است، فرمود بعضی اهل نگاه‌اند و اهل نظریه‌پرداز نیستند. در بخش‌هایی از قرآن کریم فرمود اینها تو را نگاه می‌کنند ولی تو را نمی‌بینند معلوم می‌شود این نظریه هم درباره توحید است هم درباره معاد است هم درباره وحی و نبوت، اینکه فرمود: ﴿وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾^۱ می‌آیند تو را می‌بینند مثل یکی از اعراب عادی؛ اما نمی‌توانند بفهمند که تو با همه فرق داری، تو وحی را می‌گیری، تو رسول هستی تو معصوم هستی ﴿وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ﴾؛ اما ﴿وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾ نگاه می‌کنند ولی نمی‌بینند، بصر هست ولی نظر نیست یعنی آن نظریه‌پردازی نیست. بصر غیر از نظر است؛ گاهی انسان نگاه می‌کند و نمی‌بیند مثل اینکه برای استهلال وقتی به مکان بلند می‌روند می‌گویند «نظرت؛ الی القمر و لم أره»؛ من در شب اول استهلال کردم، ولی ماه را ندیدم پس گاهی ممکن است که نظر باشد و رؤیت نباشد فرمود اینها اهل نظر هستند؛ اما نمی‌دانند که تو با دیگران فرق می‌کنی تو را به عنوان یک عرب عادی می‌شناسند ﴿وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾ در سوره مبارکه «یونس» این مضمون هست.^۲

۱. سوره اعراف، آیه ۱۹۸.

۲. سوره یونس، آیه ۴۳: ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ﴾.

اینکه فرمود نظر کنید در سوره مبارکه «انعام» فرمود ما ملکوت را نشان خلیلمان دادیم و ارائه کردیم او هم دید؛ بعد از بیان چند حجت، فرمود: ﴿وَكَذَلِكَ نُرِيْكَ اَيْنَ ﴿ثُرٰی﴾ که فعل مضارع است و مفید استمرار است مؤید همان ﴿كَذٰلِكَ﴾ است؛ ﴿وَكَذٰلِكَ نُرِيْ اِبْرٰهِيْمَ مَلَكُوْتِ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ﴾^۱ این ارائه است ما ارائه کردیم او هم دید این در سوره مبارکه «انعام» است.

در سوره مبارکه «اعراف» فرمود: ﴿اَمْ وَ لَمْ يَنْظُرُوْا فِیْ مَلَكُوْتِ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ﴾^۲ چرا در ملکوت نگاه نمی‌کنید؟ ملکوت سماوات و ارض چیست؟ فرمود اینها یک سیر افقی دارند که قبلاً چه بود الآن چه هست بعداً چه می‌شود؟ این همان لاشه علم است که دانش است که متأسفانه در دانشگاه‌های ما هست. این لاشه هیچ باری ندارد و اثری ندارد انسان مختصری بهره‌های مادی می‌برد، بعد همه اینها را می‌گذارد یادش می‌رود با دست خالی می‌میرد؛ این لاشه علم است. این علم اگر بخواهد علم دینی بشود باید از این مردار بودن به در بیاید. قرآن کریم می‌فرماید این آسمان و زمین یک سیر افقی دارند که قبلاً چه بود الآن چه هست بعداً چه می‌شود؟ این را با علم می‌توانید تشخیص بدهید. یک سیر افقی دارد که زمامی دارد قلاده‌ای در گردن اینها هست و این زمام و رهبری اینها به دست خداست ﴿فَسُبْحٰنَ الَّذِیْ بِيْدهِ مَلَكُوْتُ كُلِّ شَیْءٍ﴾^۳ این می‌شود ملکوت؛ یعنی آن صبغه ارتباط مخلوق به خالق که این علم را دینی می‌کند این می‌شود ملکوت؛ چه کسی آفرید؟ برای چه آفرید؟ این ملکوت آسمان و زمین است فرمود چرا ملکوت را نگاه نمی‌کنند؟ ما ملکوت آسمان و زمین را به خلیلمان ارائه کردیم او هم دید ﴿وَكَذٰلِكَ نُرِيْ اِبْرٰهِيْمَ مَلَكُوْتِ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ﴾. شما نگاه کنید بلکه ببینید، می‌توانید ببینید؛ اگر این نگاه به رؤیت ختم نمی‌شد که دعوت نمی‌کرد.

۱. سوره انعام، آیه ۷۵.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۸۵.

۳. سوره یس، آیه ۸۳.

یک بیان نورانی مرحوم شیخ مفید در *أمالی* خودشان از وجود مبارک امام باقر و صادق (سلام الله علیهما) نقل کرد که یک وقت هم آن روایت خوانده شد. «*أمالی نویسی*» رسم بود؛ مرحوم صدوق نوشت، مرحوم مفید نوشت، مرحوم سید مرتضی نوشت، شیخ طوسی نوشت؛ اینها در جلساتی که برای شاگردان خودشان یا اصحاب داشتند روایات مخصوصه‌ای را املاء می‌کردند دیگران هم ثبت می‌کردند. این *أمالی* ها خیلی کتاب خوبی است *أمالی* مرحوم شیخ مفید دارد که «*مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَلَنْ يَلِجَ مَلَكُوتَ السَّمَاءِ حَتَّى يُتِمَّ قَوْلُهُ بِعَمَلٍ صَالِحٍ وَلَا*»؛ کسی مؤمن است مسلمان است ذکر الهی را قبول دارد، اما فقط مسلمان شناسنامه‌ای است عملی ندارد با عمل، این قول را تقویت نکرده است، او اهل ملکوت نیست؛ «*مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَلَنْ يَلِجَ مَلَكُوتَ السَّمَاءِ حَتَّى يُتِمَّ قَوْلُهُ بِعَمَلٍ صَالِحٍ وَلَا*». پس معلوم می‌شود انسان می‌تواند با ایمان و عمل صالح وارد صحنه‌ای بشود؛ حالا تا چه اندازه می‌بیند؟ نصیب خاص اوست ولی می‌تواند وارد ملکوت بشود و ببیند و آرام بشود. ملکوت آسمان و زمین کجاست؟ دست کیست؟ آیه ۸۳ سوره مبارکه «یس» این است: ﴿فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ به هر حال اینها نه خودساخته‌اند نه خودباخته‌اند یک کسی می‌گرداند، اینها مرتب دارند می‌گردند، چه کسی می‌گرداند، مگر می‌شود که حرکت بی‌محرك باشد؟ اینها متحرك‌اند، مگر متحرك بی‌محرك می‌شود؟! کل این مجموعه را فرمود طرزی ما خلق کردیم که همه مشکلات شما را حل کند. اینکه می‌گرداند این گرداندن دست اوست و لاغیر و او هم با دست بی‌دستی می‌گرداند، لذا با «سبحان» ذکر شده است نه با «تبارک». آن آیات تشبیهی با «تبارک» ذکر می‌شود، این آیات تنزیهیه با «سبحان» شروع می‌شود ﴿فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ آن وقت انسان می‌تواند «ید الله» را با جان خود بیابد این راه باز است.

آن مقامات عالیه که معراج است و ﴿دَنَا فَتَدَلَّى﴾^۱ است آنها نه سهم ماست، نه ما آن را توقع داریم، نه ما را راه می‌دهند، نه از ما می‌خواهند؛ اما این بخش‌های دیگر یک بیان نورانی امام سجاد (سلام الله علیه) که فرمود: «الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ وَالْعَالِي فِي دُثُوِّهِ»^۲ او ﴿رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ﴾^۳ است ﴿ذُو الْعَرْشِ﴾ است همه اینها مقام فعل اوست مقام ذات او که کسی دسترسی ندارد، ظهور او، تجلّی او، افعال او، آیات او، او ﴿رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ﴾ است و ﴿ذُو الْعَرْشِ﴾ اگر ﴿رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ﴾ است و اگر ما به بالاها خیلی دسترسی نداریم لااقل این مراحل نازله را که ایمان باشد شهود جلال حق باشد جمال حق باشد آن دعای مباحله در سحرهای ماه مبارک رمضان که «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا وَكُلِّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٍ» همه را می‌خواهیم آن نصیب همه نیست آنکه تعارفی ندارد؛ حالا امام آن طور می‌خواند ما هم - إن شاء الله - می‌خوانیم برای فیض؛ «مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلِّ جَمَالِكَ جَمِيلٍ»^۴ ما اجمال آن را می‌خواهیم، اسماء را می‌خواهیم «بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا»، «بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا»؛ حالا می‌خواهیم تا چه اندازه به ما برسد ولی این مقدارش هست «این قدر هست که بانگ جرسی می‌آید» این طور نیست که حالا ما نمی‌دانیم. یک وقت است که کسی از مبدأ و معاد بی‌خبر است بسیار خوب! اما وقتی قافله‌ای دارد می‌آید صدای زنگ گردن شتر به گوش آدم می‌رسد معلوم می‌شود که یک عده دارند می‌روند.

کس ندانست که منزلگه معشوق کجاست *** این قدر هست که بانگ جرسی می‌آید^۵

آدم در منزل نشسته می‌بیند که مرتّب دارند ماشین‌ها بوق می‌زنند می‌روند پس جایی هست که دارند می‌روند اینها که دارند می‌روند و بوق می‌زنند معلوم می‌شود که مقصدی هست. همین که صدای زنگ گردن شتر قافله را

۱. سوره نجم، آیه ۸.

۲. الصحيفة السجادية، دعای ۴۷.

۳. سوره غافر، آیه ۱۵.

۴. مصباح المتعبد، ج ۲، ص ۷۶۰.

۵. اشعار منتسب به حافظ، شماره ۱۱.

انسان بشنود یک مقدار بیدار می‌شود؛ این آیات برای همین است فرمود چرا نگاه نمی‌کنید؟ این نظم دقیق ریاضی آفریدگاری دارد یا ندارد؟ آنها همه را برای شما خلق کرده است هیچ چیزی نیست که خدا بخواهد مثلاً طاقچه عالم را مزین کند، نه! ﴿سَحَرَ لَكُمْ﴾^۱ و هیچ صحیح هم نیست که کسی بگوید ما نمی‌توانیم به کره مریخ برویم یا زحل برویم یا اورانوس برویم، نه! کاملاً می‌شود رفت. منتها اگر انسان دست از این بازی‌ها بردارد و به خود و جهان درست بیندیشد که آیات الهی اند می‌تواند دانشمند بشود. فرمود اصلاً من این را برای شما ساختم کدام آیه است که بگوید اینها ذاتاً مخلوق‌اند برای خدا، یا بی‌هدف خلق شدند؟ ﴿سَحَرَ لَكُمْ﴾، ﴿سَحَرَ لَكُمْ﴾! همان طوری که این اسب مسحر ماست. در روایات ما است در احکام دواب، احکام اطعمه و اشربه، حقوق حیوان - فتوای فقهای ما هم همین است - که اگر کسی سوار بر اسب شد مستحب است این جمله قرآن را بخواند: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَحَرَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ﴾^۲ امروز وقتی سوار هواپیما یا کشتی می‌شوند یا اتومبیل، این هم ذکر مستحب است؛ منتها اینها صنعت‌اند آن طبیعت است اگر خدا همه را برای تسخیر انسان‌ها آفرید چرا انسان غافل باشد؟! منتها فرمود دست خدا در کار است، شما این دست را ببینید، این دست یعنی فعل خدا، قدرت خدا، نعمت خدا، او که - معاذالله - دست ندارد. دیدن این معنا علم را دینی می‌کند و انسان را ملکوتی می‌کند و گرنه مُلک بی‌ملکوت لاشه‌ای بیش نیست ﴿فَسُبْحَانَ الَّذِي يَدِيرُ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾.

در آیه ۴۴ سوره «ابراهم» آمده است که: ﴿وَسَكَتُكُمْ فِي مَسَاكِينِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ﴾. الآن ما در آستانه چهل و یکمین سال نظام اسلامی، انقلاب اسلامی به برکات خون شهدا هستیم؛ این اعلام خطری است به ما؛ فرمود شما به

۱. سوره لقمان، آیه ۲۰.

۲. سوره زخرف، آیات ۱۳ و ۱۴.

جای ظالمین نشستهاید یعنی آنها چون ظلم کردند نمادهاند نگذاشتیم بمانند و شما به جای آنها نشستهاید شما اگر بخواهید بمانید باید راه آنها را نروید.

بینید یکی از القاب نورانی حضرت «بقیة الله» است. این «بقیة الله» بودن (علیه افضل صلوات المصلین) مخصوص آن حضرت نیست؛ مثل امامت است، مثل نبوت است، این نبوت مصادیق فراوانی دارد، امامت مصادیق فراوانی دارد، «بقیة الله» مصادیق فراوانی دارد؛ منتها برجسته‌ترین آن حضرت است. علمای قبلی شاگردان انبیای قبلی آنها را قرآن ﴿أُولُوا بَقِيَّةٍ﴾^۱ می‌داند می‌گوید «بقیة الله» بودند، می‌فرمایند چرا «بقیة الله»‌های جامعه جلوی مردم را نگرفتند و درست به وظیفه‌شان عمل نکردند و مردم را درست هدایت نکردند؟ با علم صائب و عمل صالح! ﴿أُولُوا بَقِيَّةٍ﴾؛ ﴿أُولُوا بَقِيَّةٍ﴾ چه کسانی هستند؟ ولیّ بقا هستند، مثل ﴿أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾^۲، ﴿أُولَى الْأَبْصَارِ﴾^۳. اینکه در بیان نورانی حضرت امیر در کتاب قیّم نهج البلاغه آمده است که «الْعُلَمَاءُ بِأَقْوَنَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ»^۴ یعنی ﴿أُولُوا بَقِيَّةٍ﴾ هستند یعنی «بقیة الله» هستند؛ منتها این «بقیة الله» امامی دارند بزرگی دارند که آن حضرت است، وگرنه «الْعُلَمَاءُ بِأَقْوَنَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ». در خود قرآن کریم، خدا گله می‌کند می‌فرماید چرا این ﴿أُولُوا بَقِيَّةٍ﴾ جلوی مردم را نگرفتند؟ یک وقت است که کسی - خدای ناکرده - مشکل جدی با نظام الهی دارد آن ﴿سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^۵ خیلی کم‌اند آن طور؛ اما اکثری مردم وقتی ببینند کسی عالم دینی است و عامل به دین است، دین را رها نمی‌کند؛ نه تنها دین ستیز نیستند دین‌گریز هم نیستند. این مقام، کم مقامی نیست که حضرت امیر فرمود: «الْعُلَمَاءُ بِأَقْوَنَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ» اینکه درباره ائمه که نیست، آنها که مقامات برجسته‌تری دارند درباره انبیا که

۱. سوره هود، آیه ۱۱۶.

۲. سوره بقره، آیه ۲۶۹.

۳. سوره حشر، آیه ۲.

۴. نهج البلاغة (للصبحی صالح)، حکمت ۱۴۷.

۵. سوره بقره، آیه ۶؛ سوره یس، آیه ۱۰.

نیست؛ فرمود علمای دین. الآن شما ببینید هر جا سخن از کلینی است سخن از مفید است سخن از سید رضی است سخن از سید مرتضی است شیخ انصاری است و امام هست، آقای بروجردی هست و سایر علما که حشرشان با اولیای الهی باشد اینها باقی‌اند؛ مآثر آنها باقی است آثارشان هم باقی است. قرآن تعبیر به «أُولُوا بَقِيَّةً» دارد. بیان نورانی حضرت امیر این است که اینها باقی‌اند در فضای روزگار، «الْعُلَمَاءُ بِأَقْوَنَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ»؛ قرآن دارد که اینها که «بَقِيَّةُ اللَّهِ» اند «أُولُوا بَقِيَّةً» اند چرا جلوی مردم را نمی‌گیرند؟ آن جایی که اینها راه صحیح طی بکنند و اتمام حجت بکنند که قرآن گله ندارد، غرض این است که این تعبیرات قرآن کم نیست فرمود: «وَسَكَتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا».

یک بیان نورانی حضرت امیر دارد فرمود حواستان جمع باشد شما رفتید در این کاخ‌ها نشستید، روی زمین‌ها نشستید، آنچه به نام پهلوی بود الآن در دست شماست مواظب باشید چرا این کار را می‌کنند؟ «أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ»^۱ آن حکم تهدیدی است این حکم رادمردی و آزادگی است. خود حضرت فرمود بعضی‌ها که کار خلاف نمی‌کنند برای اینکه جهنم نروند یا بهشت بروند معصیت نمی‌کنند، بعضی آزاد از بهشت و جهنم‌اند ولی الهی‌اند «قربة إلى الله» و «لقاء الله» این کار را می‌کنند. فرمود چرا مردان آزاده پیدا نمی‌شوند که از لماظه صرف نظر کنند. این «لماظه» با «طاء ظاء» این مانده لای دندان است^۲ کسی غذایی را خورده چیزی در لای دندانش بماند این را می‌گویند لماظه. فرمود این را پهلوی‌ها و امثال پهلوی‌ها از این باغ و راغ ایران استفاده کردند تا آنجا که ممکن بود؛ آنچه لای دندان اینها مانده بود را درآوردید گذاشتید زمین. آزادمردانی می‌خواهم که از این لماظه بگذرد اینها دست دوم است، دست اول که نیست، همه این کاخ‌ها، همه این نیاوران‌ها، همه اینها دست دوم است اینها لماظه پهلوی

۱. نهج البلاغه، (للصبي صالح)، حکمت ۴۵۶.

۲. کتاب العین، ج ۸، ص ۱۶۴؛ «الْلَمَظُ: مَا تَلَمَّظُ بِهِ بِلِسَانِكَ عَلَى أَثَرِ الْأَكْلِ وَهُوَ الْأَخْذُ بِاللِّسَانِ مَا يَبْقَى فِي الْفَمِ وَالْأَسْنَانِ وَاسْمُ ذَلِكَ الشَّيْءِ لَمَاطَةٌ».

است. فرمود من یک آزاد مرد می‌خواهم این کتاب بوسیدنی نیست؟! «أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ». آن بحث‌های حرام است و جهنم و حلال است و بهشت آنها در نهج البلاغه کم نیست؛ اما این کلمات هم در نهج البلاغه برجستگی دارد یک آزاد مرد می‌خواهم که از مانده لای دندان پهلوی بگذرد. «أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ»، این بزرگواری است؛ این شهدا کم مقامی ندارند. بارها به عرض شما رسید این شهدای گمنام اینها کسانی نبودند که مثلاً بی‌نشان رفته باشند نه! خدا این سراینده تبریزی را غریق رحمت کند! این تبریز چه برکاتی دارد! وقتی ادیبی پیدا می‌شود چه می‌کند! آن کسی که جریان کربلا را به آن صورت گفت، فرمود جریان وجود مبارک امام رضا(سلام الله علیه) را گفت، با اینکه اینها آذری‌زبان هستند وقتی فارسی شعر می‌گویند چقدر غنی و قوی است:

نسیم قدسی دمی گذر کن به بارگاهی که لرزد آنجا *** خلیل را دست ذبیح را دل مسیح را لب کلیم را پا^۱
وقتی حرم امام رضا می‌روی این است! ایشان درباره کربلا چه گفت؛ یک عابس شاکری که بیشتر نبود که جوشنش را گرفت و زره خود را گرفت و لخت به میدان رفت. ما در این دفاع مقدس هشت‌ساله چندین نفر مثل عابس شاکری داشتیم، اینها که پلاک‌ها را گرفتند یعنی چه؟ ما شهدای گمنام نداریم همه‌شان پلاک داشتند مشخص بود حسابی داشتند کتابی داشتند؛ اما خیلی‌ها در شب‌های عملیات این پلاک‌ها را کنار گذاشتند، آن یک نفر بود در کربلا گفت:

جوشن ز بر گرفت که ماهم نه ماهیم *** مغفر ز سر فکند که بازم نیم خروس

غریق رحمت به روح این شاعر! یک نفر در کربلا بود، بقیه مسلح می‌رفتند؛ اما در این شب‌های عملیات بسیاری از عزیزان این پلاک گردنشان را انداختند دور اینها هستند. پس بیان نورانی حضرت امیر مستمع فراوانی دارد،

صدها نفر، هزارها نفر؛ ما چرا نباشیم؟ جهنم نرفتن و بهشت رفتن خیلی مهم نیست، آزاد بودن خیلی مهم است؛ «أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ» فرمود این کاخ نیاوران، این دستگاه پهلوی، این ثروت پهلوی، این بجا مانده‌ها، اینها دست دوم است، اینها مانده لای دندان دودمان پهلوی است، ننگ شما است، مبدا خودتان را آلوده کنید اگر ما واقعاً هیچ وقت طمع در مالی نمی‌کردیم اختلاسی نبود نجومی نبود ما مشکلی نداشتیم؛ خیلی‌ها هستند که از این کار ما می‌رنجد.

غرض این است که این ایام، واقع ایام الله است، واقع برکات الهی است، واقع عنایت الهی است. آیاتی که الآن خواندیم تلاوت کردیم درباره بهشتی‌ها اینها را چه کسی ساخت؟ چشمه‌های فراوان، ﴿أَنْوَابُ مَوْضُوعَةٌ﴾، ﴿نَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ﴾، ﴿زُرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ﴾ اینها را شما ساختید، چه کسی اینها را ساخته است؟ مؤمنین با عملشان می‌سازند. پس بهشت با همه جلال و شکوهی که دارد ساخت شما است شما به دنبال یک کار بالاتر بروید؛ یعنی خدای سبحان نظیر مهمانی‌های معمولی متکاها فراهم کرده بالشت‌ها فراهم کرده فرش‌ها فراهم کرده؛ یا نه، همین‌ها را شما ساختید ﴿لَسَعِيهَا رَاضِيَةٌ﴾، نتیجه کار خود شماست. پس انسانی که می‌تواند بهشت بسازد و بهشت محصول کار اوست، چرا به بالاتر از بهشت فکر نکند. حضرت فرمود: «أَلَا حُرٌّ»، یک آزادمرد می‌خواهم که نگاهی به این لمایه نکند.

بنابراین این قسمت را شما ملاحظه بفرمایید که به ما گفتند شما می‌توانید ملکوت را نگاه کنید، نه اینکه راه بسته باشد؛ نگوییم مخصوص آنهاست. این «مناجات شعبانیه» مگر مخصوص آنهاست؟ به ما نگفتند شما بخوانید؟ یا گفتند بخوانید؟ ببینید در هر جایی آن اوجش برای اینهاست، قلّه‌اش برای اینهاست صدرش برای اینهاست، اما ذیلش که نصیب ما هست. این «مناجات شعبانیه» مناجات آزادمردان است؛ چه می‌گوییم به خدا؟ بعد از اینکه مرز منادات تمام شد، یک؛ وارد مرحله مناجات شدیم، دو؛ این مناجات هم تمام شد، آن وقت از آن طرف مناجات شروع

می‌شود به خدا عرض می‌کنیم خدایا! حالا شما مناجات کنید ما گوش بدهیم «وَجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتُهُ فَأَجَابَكَ وَ لَاحِظْتُهُ فَصَعِقَ لِحَلَالِكَ فَنَاجَيْتُهُ سِرًّا»^۱ در همان «مناجات شعبانیه» به ما گفتند با خدا ناز کنید، همه‌اش نیاز نیست همه‌اش خدایا ببخش ببخش ببخش نیست؛ در این «مناجات شعبانیه» چیست؟ گفتند با او ناز کنید، بگویید خدایا! «إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي أَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ»^۲ خدایا! اگر تو در قیامت بگویی چرا گناه کردی بخواهی آبروی مرا ببری، من هم می‌گویم تو که بزرگ‌تر بودی چرا نبخشیدی؟ چرا آبروی مرا بردی؟ عفو با بزرگان است! این یعنی چه؟ کسی که آن روز بتواند حرف بزند؛ این مقام است، این را گفتند می‌توانید برسید، خیلی است این حرف که آدم به خدایش بگوید تو که بزرگ‌تر بودی چرا نبخشیدی؟ چرا آبروی مرا بردی؟ «إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي أَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ» این مقامات هم هست. اینها همان «حُرٌّ» است فرمود: «أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ».

بنابراین دانشگاه‌ها اگر بخواهد اسلامی بشود، آن سرجایش محفوظ است، ما دانشجویان عزیزی داریم، اینها اهل اعتکاف هستند جبهه رفته‌اند شهید داده‌اند جانباز هستند اینها سرجایش محفوظ است؛ اینها را مسجد و حسینیه تربیت کرده است اینها میوه دانشگاه نیستند؛ بله اینها حرف‌های امام رهبری علما مراجع مسجد حسینیه عاشورا اربعین بله اثر کرده است اما خود دانشگاه بخواهد دینی بشود باید این علم، دینی بشود؛ چه کسی آفرید؟ برای چه آفرید؟ و ذات اقدس الهی این صحنه‌ها را آینه قرار داد فرمود اینها که آسمان و زمین را نگاه می‌کنند و آفریدگارشان را نمی‌بینند کور هستند. قبلاً هم به عرض شما رسید الآن در تابلویی که یک خط خوب نوشته شده این تابلو را به دست یک انسان نابینا بدهید این یک دست می‌کشد می‌بیند یک شیشه است جایی را نمی‌بیند؛ اما وقتی به آدم بصیر بدهید این خط زیبا را می‌بیند می‌گوید به‌به! این را چه کسی نوشته است؟ عجب خطاطی است!

۱. الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحديث)، ج ۳، ص ۲۹۹؛ زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۴۹.

۲. الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحديث)، ج ۳، ص ۲۹۶.

بین بصیر و اعمی فرق همین است؛ فرمود چرا اینها آسمان را نگاه نمی‌کنند؟ مگر می‌شود این آسمان آفریدگار نداشته باشد؟! مگر می‌شود این زمین آفریدگار نداشته باشد؟! مگر می‌شود این سلسله جبال منظم که «وَوَدَّ الصُّحُورِ مِیدَانَ اَرْضِهِ»^۱ یعنی اینها به منزله میخ زمین نلرزد اینها را ببیند و خدا را نبیند؟ لذا فرمود اینها کور هستند لذا فرمود درباره همین مردم در آیات دیگر دارد که ﴿صُمُّ بَكْمٌ عُمًیٰ فَهَمْ لَا یَرْجِعُونَ﴾^۲.

«و الحمد لله رب العالمین»

۱. نهج البلاغة (للصبحی صالح)، خطبه ۱.

۲. سوره بقره، آیه ۱۸.